



## The Impact of Behavior of Contracting Parties on Iranian Law and European Principles of International Contracts and Documents

Mohammad Gholizadeh<sup>1</sup>, Soheil Taheri<sup>2\*</sup>, Alireza Mazloom Rahani<sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of Law, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 567-582

**Article history:**

**Received:** 27 Aug 2022

**Edition:** 20 Oct 2022

**Accepted:** 22 Des 2022

**Published online:** 24 Oct 2023

### Keywords:

behavior, contract parties, expression of will, contractual obligations, contract interpretation.

### Corresponding Author:

Soheil Taheri

### Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Shahr-e-Qods Branch, Department of Law.

### Orchid Code:

0009-0002-3188-100X

### Tel:

02146896000

### Email:

[s.taheri@qodsiau.ac.ir](mailto:s.taheri@qodsiau.ac.ir)

### ABSTRACT

**Background and Aim:** The purpose of this article is to investigate the fact that the behavior of the parties can have an effect on the contract and determine the contractual obligations of the parties.

**Materials and Methods:** This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used to collect materials and data.

**Ethical Considerations:** In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

**Findings:** the behavior of the parties to the contract is very important in how to fulfill the mutual obligations contained in the written documents of the contract. But it has not been widely cited in British courts. It should be noted that in all legal systems based on the rule of source of interpretation of the contract. Therefore, in Iranian law, despite the, it can be accepted that by fulfilling the above conditions, the subsequent behavior of the parties in interpreting the contract can be cited. In the Convention on Sale and International Documents under study, despite the disagreement, it is accepted that the subsequent behavior of the parties can resolve the ambiguities in the contract, and explicitly the subsequent actions and behavior of the parties in interpreting the contract and clearing the ambiguity is considered.

**Conclusion:** in the contract documents. Although the parties state their claims in the contract documents according to the principle of freedom of contract, these freedoms are subject to legal restrictions.

### Cite this article as:

Gholizadeh M, Taheri S, Mazloom Rahani AR. The Impact of Behavior of Contracting Parties on Iranian Law and European Principles of International Contracts and Documents. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

### مبانی و شرایط تأثیر رفتار طرف‌ها بر قرارداد در حقوق ایران، کامن‌لا و اسناد بین‌المللی

محمد قلی‌زاده<sup>۱</sup>، سهیل طاهری<sup>۲\*</sup>، علیرضا مظلوم رهنی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** هدف مقاله حاضر بررسی این موضوع است که رفتار با چه مبانی و شرایطی می‌تواند در قرارداد اثر گذاشته و التزام‌های قراردادی طرف‌ها را تعیین کند. **مواد و روش‌ها:** مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است. **ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** امروزه رفتار به‌عنوان یکی از منابع تفسیر قرارداد دارای اعتبار است. در کامن‌لا در آرای متعددی این موضوع تأیید و شرایط آن تعیین شده است. در حقوق آمریکا این قاعده تأیید شده و در ماده ۲۰۷-۲ قانون متحد الشکل تجاری به آن اشاره شده است. در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین اصول حقوق قراردادهای اروپا و اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی به‌موجب مواد متعددی صراحتاً اعمال و رفتار بعدی طرف‌های قرارداد در تفسیر قرارداد و رفع ابهام از آن مقرر شده است. در حقوق ایران نیز، علاوه بر مبانی حاکمیت اراده و تبعیت عقد از قصد طرف‌ها و عدم انحصار ابراز اراده به الفاظ، این مبانی هم قابل استناد می‌باشند.

**نتیجه:** احراز قصد و رضای شخص، آگاهی طرف مقابل و امکان اعتراض و ایراد از جانب او، انتساب و ارتباط عمل مزبور با قرارداد و قابلیت پذیرش رفتار مورد استناد در قرارداد در اوضاع و احوال مشابه می‌توان رفتار را در تفسیر قرارداد و رفع ابهام و اجمال قرارداد و تکمیل موارد اطلاق و تعیین حقوق و تعهدات قراردادی مؤثر دانست.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۶۷-۵۸۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

#### واژگان کلیدی:

رفتار، طرف‌های قرارداد، ابراز اراده، التزام‌های قراردادی، تفسیر قرارداد.

#### نویسنده مسئول:

سهیل طاهری

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس، گروه حقوق.

کد ارکید:

0009-0002-3188-100X

تلفن:

۰۲۱۴۶۸۹۶۰۰۰

پست الکترونیک:

[s.taehri@godsiau.ac.ir](mailto:s.taehri@godsiau.ac.ir)

## ۱. مقدمه

بردن سند، تصرف، استرداد سند دین و امثال این رفتارها دارای آثار حقوقی است؛ اما اینکه با چه شرایط و چه مبنایی رفتار مجرب ایجاد تعهد و التزام در قرارداد می‌شوند در حقوق ایران مورد بحث مستقل واقع نشده است. به عبارتی در هنگام تفسیر و تکمیل قرارداد، رفتارهای طرف‌های قرارداد بر چه مبنایی قابل استناد و تعیین‌کننده حقوق و تعهدات قراردادی است. رفتارهای مرتبط با قرارداد از نظر زمان به سه دسته قبل از انعقاد قرارداد، حین انعقاد قرارداد و بعد از انعقاد قرارداد، تقسیم می‌شود. تاکنون تمرکز بر رفتارها در قبل یا در حین انعقاد قرارداد بود؛ اما در حقوق قراردادهای جدید رفتار بعدی طرف‌ها نیز مورد توجه و قانون‌گذاری واقع شده است. تمایز و نوآوری مقاله حاضر این است که به بررسی مبنایی و شرایط تأثیر رفتار طرف‌ها بر قرارداد در حقوق ایران، کامن‌لا و اسناد بین‌المللی پرداخته می‌شود. در این تحقیق مسئله این است که چه زمانی یک رفتار و عمل و با چه ویژگی‌ها و قواعدی می‌تواند اعلام اراده تلقی شده و تأثیرگذار در اصلاح، تعدیل یا هرگونه تغییری در قرارداد باشد؟ مبنایی و شرایط تأثیر رفتار طرف‌ها بر قرارداد در حقوق ایران، کامن‌لا و اسناد بین‌المللی چیست؟ فرضیه مقاله عبارت است از اینکه «در کامن‌لا آرای متعددی راجع به تأثیر رفتار در قراردادهای صادر شده است به نحوی که می‌توان گفت رفتار نیز یکی از منابع تعهدات و حقوق طرف‌های قرارداد است. در حقوق ایران نیز رفتار به‌عنوان یک عامل تفسیر قرارداد قابل استناد است. در اسناد بین‌المللی مورد مطالعه این موضوع در مواد متعددی مورد تصریح قرار گرفته است». به‌منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره، مبنایی و شرایط تأثیر رفتار

رفتار در این تحقیق به هر گونه ابراز اراده غیر مکتوب و غیر لفظی و اعمال، رفتار، رویه‌ها و حتی سکوت با قرینه در مقابل یک عمل که بر اساس اصول و مبنایی حاکمیت اراده، عرف و عادت، عدالت و انصاف و رویه یکسان در موارد مشابه توسط طرف‌های معامله یا نمایندگان آن‌ها در قرارداد انجام و اعمال می‌شود اطلاق می‌گردد. برخی از این رفتارها در برخی نظام‌های حقوقی مورد قانون‌گذاری واقع شده است؛ مثل استرداد سند عادی دین به مدیون در قانون مدنی مدنی فرانسه. مطابق ماده ۱۹۱ قانون مدنی ایران: «عقد محقق می‌شود به قصد انشا به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند». یعنی ابراز اراده منحصر به الفاظ و عبارات و کلمات اعم از مکتوب و شفاهی نیست. در ماده ۱۹۳ همین قانون، رفتار و عمل طرفین به‌عنوان یکی از ابزارهای اعلام اراده بیان شده است. در مواد دیگری از این قانون مثل مواد ۲۴۸، ۲۵۱، ۳۳۹، ۴۴۹، ۴۵۰ و... رفتار و عمل طرفین یکی از وسایل ابراز اراده در انعقاد یا انحلال قرارداد مقرر شده است. در مواردی قانون‌گذار به صراحت رفتارهایی که در قرارداد مؤثر هستند را بیان کرده است؛ برای مثال در ماده ۱۰۶۶ قانون مدنی، اگر یکی از متعاقدين لال باشد اشاره کردن را به‌عنوان یک رفتار مبین اراده پذیرفته است یا در ماده ۷۴۵ همین قانون، اگر شخصی را از تحت اقتدار ذیحق بدون رضای او خارج کند در حکم کفیل است. یعنی رفتار او در فراری دادن دیگری او را به خودی خود کفیل می‌کند. در مواردی مثلاً ابداع به حکم عرف در ماده ۶۳۲ قانون مدنی رفتارهایی بر مبنای عرف و عادت ایجاد تعهد می‌نمایند. رفتارهای اشخاص در مواردی از قبیل تأخیر در پرداخت، از بین

## ۵. بحث

### ۵-۱. تأثیر رفتار بر قرارداد در حقوق کامن‌لا

«در کامن‌لا در صورت وجود قرارداد کتبی، اصل بر این است که چنین متن مکتوبی همه مفاد قرارداد را در بر می‌گیرد. در صورت کتبی بودن قراردادها دادگاه تمایل ندارند به دنبال آن باشند که این قرارداد کتبی همه شروط مهم را در بر نمی‌گیرد. به عبارتی امکان خروج از شروط صریح قرارداد مکتوب وجود ندارد. این نظر را رویه قضایی در آرای متعددی تأیید کرده است. در پرونده *James Miller & Partners Ltd v Whitworth Street Estates (Manchester) Ltd* چنین استدلال شد که رفتارها و اقدام‌های متعاقب نباید مورد توجه قرار گیرند. چراکه در غیر این صورت ممکن است این نتیجه حاصل شود که یک روز قرارداد به یک معنا بوده؛ اما به دلیل رفتارها و وقایع بعدی، ماه یا سال بعد معنای متفاوتی داشته است. بنابراین در *McLaren v Waikato Regional Council*» گفته شد: «قرارداد باید در تاریخی که منعقد شده، تفسیر شود و نمی‌توان ساختار آن را با رفتار تغییر داد» (استون، ۲۰۰۹، ۲۴۲). در مقابل در برخی آرا استدلال شده (نیکولز، ۲۰۰۵، ۵۸۹-۵۷۷): «از شواهد رفتار طرفین به‌عنوان وسیله‌ای برای تشخیص معنای قرارداد در زمان شکل‌گیری استفاده می‌شود. این واقعیت که این شواهد تنها پس از عقد قرارداد به وجود آمده‌اند، به دشواری می‌تواند دلیل خوبی برای امتناع از پذیرش آن باشد». شواهدی که باید دادگاه را متقاعد کند که تفسیر خاصی که شواهد آن را تأیید می‌کنند، معنایی است که در زمان قرارداد به کلمات نسبت داده شده است. به عبارت دیگر، این

طرفها بر قرارداد در کامن‌لا و اسناد بین‌المللی و سپس در حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که منظور از اسناد بین‌المللی در این مقاله، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین، و اصول حقوق قراردادهای اروپا و اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی است.

### ۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

### ۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

### ۴. یافته‌ها

امروزه رفتار به‌عنوان یکی از منابع تفسیر قرارداد دارای اعتبار است. در کامن‌لا در آرای متعددی این موضوع تأیید و شرایط آن تعیین شده است. در حقوق آمریکا این قاعده تأیید شده و در ماده ۲۰۷-۲ قانون متحدالشکل تجاری به آن اشاره شده است. در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین و اصول حقوق قراردادهای اروپا و اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی به موجب مواد متعددی صراحتاً اعمال و رفتار بعدی طرف‌های قرارداد در تفسیر قرارداد و رفع ابهام از آن مقرر شده است. در حقوق ایران نیز، علاوه بر مبنای حاکمیت اراده و تبعیت عقد از قصد طرف‌ها و عدم انحصار ابراز اراده به الفاظ، این مبانی هم قابل استناد می‌باشند.

شرایطی بود که عبارت بودند از دریافت با احتیاط شواهد و حمایت قاطعانه شواهد از تفسیر پیشنهادی. با وجود این در سال ۱۹۷۰، مجلس اعیان در مورد پذیرش شواهد رفتار (مگر اینکه از آن برای استاپل یا قرارداد جدید استفاده شود) در «James Miller & Partners Ltd v Whitworth Street Estates (Manchester) Ltd» حکم اشکاری صادر و این دیدگاه را چهار سال بعد در «Schuler AG v Wickman Machine Tool Sales Ltd» مجدداً تأیید کرد. در پرونده SASR [1939] Maddern v خواهان (P) و خواننده (D)، کارآموز دندانپزشکی هستند. D، دو جراحی A و B دارد. هنگامی که حجم کار از توانایی او پیشی می‌گیرد، D از P برای کمک در جراحی A استفاده می‌کند. شروط قرارداد برای P این‌گونه تعیین شده که پس از کسر مبلغ تعیین‌شده (هزینه-های پیش‌بینی شده جراحی A)، حقوق به‌علاوه نصف پاداش سه ماهه کارآموزی به وی پرداخت شود. با وجود این، خیلی زود حجم فعالیت در جراحی A کاهش می‌یابد. سپس به P اجازه داده می‌شود تا در جراحی B شرکت کند. درآمدی که وی در آنجا به دست آورده، مورد تأیید قرار می‌گیرد و بعداً به‌عنوان دریافتی از عمل جراحی در A (که حساب جداگانه‌ای دارد) در نظر گرفته می‌شود. در پایان کار، P ادعا می‌کند که پاداش دریافتی‌اش باید بر اساس درآمد دو جراحی A و B باشد. به عبارت دیگر، هر دو جراحی، خدماتی هستند که در قرارداد به آن‌ها اشاره شده است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان اقدام‌های متعاقب طرفین را به‌عنوان بخشی از شرایط پیرامونی در جهت تفسیر کلمه کارآموزی در نظر گرفت. قاضی پرونده استنباط کرد که درک

معنا، معنای واقعی کلمه است. هنگامی که رفتار به-عنوان کمکی برای تفسیر قرارداد مورد استفاده قرار می‌گیرد (برخلاف مبنایی برای ادعای تغییر یا استاپل)، هدف روشن ساختن و نه تغییر معنای قرارداد است. در واقع نمی‌توان گفت که رفتار منجر به معانی متفاوت قرارداد در زمان‌های مختلف می‌شود. مهم‌ترین و بیشترین کاری که رفتار می‌تواند انجام دهد، این است که دادگاه را متقاعد کند که معنای ادعایی در واقع همان معنایی است که در زمان عقد قرارداد در نظر گرفته شده است. این واقعیت که طرفین به‌صورت مداوم براساس تفسیری خاص عمل کرده‌اند یا دست‌کم یکی از طرفین تفسیری را رد کرده‌است، می‌تواند مبنایی قابل اعتماد برای استنباطی مبنی بر اینکه این همان معنایی است که در زمان عقد قرارداد به کلمات نسبت داده شد، ارائه دهد. استدلال اعتبار اثر رفتار، فرض می‌کند که وظیفه مشروع دادگاه در دعوای تفسیری این است که در صورت امکان «معنایی را که طرفین به زبان یا رفتار خود به کار برده‌اند، مورد استفاده قرار دهد». بنابراین در کامن‌لا برای تفسیر قرارداد، رفتار طرفین ممکن است گاهی مبنایی قابل اعتماد برای استنباطی ارائه دهد که مؤید معنایی باشد که در زمان عقد قرارداد به کلمات نسبت داده شده بود» (مک لاجلان، ۱۹۹۶، ۲۳۷؛ مک لاجلان، ۲۰۰۶، ۱۴۷؛ ییبی و هندرسون، ۲۰۰۰، ۱۷۶-۱۷۲). در تصمیمات مجلس اعیان انگلیس تا قبل از سال ۱۹۷۰، اختیارات زیادی در مورد این قضیه وجود داشت. در صورت وجود ابهام در یک قرارداد کتبی، شواهد مبنی بر رفتار طرفین می‌تواند به‌عنوان عامل کمکی در تفسیر مورد قبول باشد. البته این منوط به

مشابه و شواهدی از مکالمه میان خواننده و شخص ثالثی است که در آن خواننده، تصدیق کرده که حق سهم خود را واگذار کرده است. بر اساس یافته‌های قاضی دادگاه، شواهد مذاکرات قبلی و رفتارهای بعدی باهم ترکیب می‌شوند تا ثابت شود که قصد متقابل واقعی طرفین در زمان قرارداد این بوده که مجوز ماهی‌گیری و سرقفلی شامل حق سهم شود. در پرونده *A. James Miller v Whitworth Street* مربوط به اختلاف در قرارداد ساختمانی میان یک شرکت انگلیسی و یک شرکت اسکاتلندی، یکی از مسائل پیش روی مجلس اعیان انگلیس، قانون حاکم بر قرارداد (قانون انگلیس یا قانون اسکاتلند) بود. دست‌کم در ابتدای امر پذیرفته شد که پاسخ این پرسش، به قصد طرفین بستگی دارد و اینکه این قصد ممکن است در قرارداد کتبی بیان شود یا از شرایط قرارداد و مسائل پیرامونی مربوط به آن از جمله رفتار طرف‌ها استنباط شود. هم در دادگاه تجدیدنظر و هم در مجلس اعیان (با اکثریت آرا) با استناد به رفتار طرفین تصریح شد که قانون انگلیس در این مورد مناسب است. دادگاه به سادگی مشاهده کرد که طرفین در دو مورد براساس قوانین انگلیسی عمل کرده بودند، به گونه‌ای که گویا این امر یعنی رفتار به‌تنهایی برای تعیین قصد طرفین کافی است. در پرونده *B. Schuler v Wickman*، «شولر»، «ویکمن» را به‌عنوان توزیع‌کننده پرس‌های پنل تولیدی خود تعیین کرده بود. به‌موجب بند ۷ (ب) این قرارداد، «ویکمن» باید دست‌کم هفته‌ای یک بار، نمایندگان خود را برای ملاقات با کارخانه‌های تولیدکننده موتور جهت درخواست سفارش پرس‌های پنل بفرستد. «شولر» پس از اینکه قرارداد مذکور را فسخ کرد، اقدام خود را این‌گونه توجیه

یک توافق دوجانبه از کلمه «کارآموزی» با توجه به توافق صریح و استفاده از عبارت هزینه‌های به‌دست آمده از جراحی B، غیر قابل رد کردن است. «به عبارت دیگر، رفتار طرفین در مورد توافق بر سر هزینه‌های به‌دست‌آمده در جراحی B، به‌عنوان دریافتی از جراحی A، تنها بر این اساس قابل توضیح است که وقتی در قرارداد کار به کارآموزی اشاره کردند، منظور همان جراحی A بوده است. در واقع آن‌ها به‌طور ضمنی اعتراف کردند که از رفتار آن‌ها استنباط می‌گردد که این همان معنایی است که آن‌ها در زمان قرارداد به کلمات نسبت داده‌بودند. یا همان‌طور که قاضی گفت این همان چیزی بود که طرفین هنگام امضای قرارداد، واقعاً قصد آن را داشتند» (لیندی و همکاران، ۲۰۰۱، ۲۸۷) براین اساس، رفتار و اقدام مذکور مقوم استنباط مشابهی از قرائت قرارداد، در موارد مشابه است. در پرونده «*Edwards v O'Conno*» خواننده برای فروش کسب و کار ماهیگیری خود به خواهان‌ها، با آنها قراردادی کتبی منعقد می‌کند. «خواهان‌ها ادعا می‌کنند که در قرارداد توافق شده‌است که اگر سهمیه قابل انتقال افراد دیگر در نهایت به خواننده اختصاص داده‌شود، به آنها منتقل می‌شود. به شکلی خاص، پیش از امضای قرارداد کتبی توافق شد که «مجوز صید ماهی» و «سرقفلی»، شامل سهمیه شود. شواهد متناقضی وجود دارد، اما قاضی دادگاه، شواهد خواهان‌ها را ارجح می‌داند. قاضی به رفتار خواننده، برای تأیید نتیجه‌گیری خود اشاره می‌کند» (حبیبی، ۱۳۸۷، ۹۲). این رفتارها شامل نامه‌ای از وکیل خواننده، مبنی بر درخواست پرداخت فوری باقی‌مانده هزینه سهمیه قابل انتقال افراد دیگر، مکالمه میان نماینده خواننده و خواهان‌ها برای تأثیر

هزینه‌هایش شده است. دادگاه تجدید نظر به اتفاق آرا تأیید کرد که از نظر ساختار واقعی کلمات با توجه به شرایط پیرامونی، ادعای خواهان درست است. مهم‌تر از همه در ارتباط با بحث کنونی، تصور می‌شد که اصولاً شواهد رفتارهای طرفین برای کمک به تفسیر یک قرارداد مبهم قابل قبول است؛ به شرطی که مؤید صراحت معنایی باشد که طرفین در زمان قرارداد در مورد کلمات مورد مناقشه قبول داشتند. رفتار و اقدام مربوط که مورد توجه قضات قرار گرفت این بود که سه ماه قبل از بروز اختلاف، خواهان صورت‌حساب مفصلی به خواننده داده بود که بر اساس آن شرکت می‌توانست هزینه طول مدت غواصی را از زمان ورود به اسکله تا پایان غواصی دریافت کند. این صورت‌حساب توسط مدیر پروژه مدعی علیه به دقت بررسی، تأیید و پرداخت شد. قضات بر این باور بودند که این اقدام به منزله پذیرش این امر توسط طرفین است که «مبنای واقعی محاسبهٔ نرخ ساعتی غواصی، زمان حرکت از اسکله تا رسیدن به اسکله» بود. توجه به رفتار طرفین، نه تنها برای رفع عدم قطعیت در مقام تفسیر یا تکمیل قرارداد، برای تعیین این موضوع که آیا قرارداد شفاهی پیشین یا قرارداد قسمتی کتبی و قسمتی شفاهی، دارای عبارت شفاهی مورد ادعای یکی از طرفین بوده، مهم است. در واقع گفته شده است که عقل سلیم نشان می‌دهد که اقدام‌های متعاقب طرفین، شواهدی هستند که به صورت شفاهی مورد توافق قرار گرفته و نوشته نشده‌اند. هم‌چنین ممکن است استدلال شود که عقل سلیم نشان می‌دهد اگر رفتار برای اثبات وجود یک واژهٔ شفاهی مورد استفاده قرار گیرد، باید بتوان از آن برای نشان دادن این نکته استفاده کرد که طرفین به اصطلاحی

می‌کرد که تعیین بند ۷ (ب) به‌عنوان یک شرط به این معناست که آن‌ها حق دارند قرارداد را برای هرگونه نقض این بند هرچند جزئی، فسخ کنند. این استدلال در دادگاه تجدید نظر و مجلس اعیان با اکثریت آرا رد شد. در دادگاه تجدید نظر، قضات نتیجه‌گیری خود را با رفتار طرفین مستند نمودند. رفتار نشان می‌دهد که «ویکمن» ۶۰ روز پس از دریافت اخطار، برای رفع نقض تعهد ملاقات زمان دارد، اما در حقیقت طرفین هیچ پیشنهادی مبنی بر اهمیت حقوقی احتمالی این اصطلاح موجود در بند ۷ در ذهن خود نداشتند. اگر طرفین قصد مشترکی نداشتند، راهی وجود نداشت که رفتار بتواند این واقعیت را تغییر دهد. رفتار لزوماً بیانگر تفاهم صورت گرفته در زمان عقد قرارداد نیست. بسیاری بر این باورند که شواهد مربوط به رفتار طرفین به‌عنوان کمکی برای تفسیر قرارداد قابل قبول است و تأکید دارند که این شواهد باید از تفسیری معقول حمایت کنند. این استدلال را در پروندهٔ «New Zealand Diving Equipment Ltd v Canterbury Pipe Lines Ltd» که احتمالاً مرجع اصلی کشورهای مشترک‌المنافع در موضوع حاضر تا پیش از تصمیمات مجلس اعیان انگلیس در اوایل دهه ۱۹۷۰ بود، مشاهده کرد. پروندهٔ مربوط به قرارداد کتبی ارائهٔ خدمات غواصی برای احداث خط لولهٔ فاضلاب بود. در قرارداد آمده بود که شرکت ارائه‌دهندهٔ خدمات باید با نرخ ساعتی خاصی به ازای هر غواص در محل کار یا در آب دستمزد دریافت کند. در این پرونده کلمات در مورد پوشش دادن زمان آماده شدن غواصان، زمان وارد شدنشان به اسکله، فاصله میان ورود و خروج آنان مبهم بود و کارفرما مدعی بود که این ابهام سبب افزایش

و بنابراین از قضا در این مورد اجماع *ad idem* وجود داشته‌است، موضوع کاملاً متفاوت بوده و رفتار پذیرفته می‌شود.

### ۵-۱-۲. تأثیر به زبان اشخاص ثالث

ممکن است اصلی که به تأثیر رفتار اجازه می‌دهد به شکلی ناعادلانه به شخص ثالثی که به قرارداد اتکا دارد، آسیب بزند. چنین نگرانی در مورد حقوق اشخاص ثالث، منحصر به رفتار نیست؛ بلکه در همه عوامل مؤثر بر تفسیر وارد است.

نخست، حتی با فرض صحیح بودن نگرانی درباره موقعیت اشخاص ثالث، به دشواری می‌توان فهمید که چرا این امر باعث می‌شود که در صورت اختلاف میان طرفین که عوامل تفسیر از جمله رفتار فقط بر رابطه خودشان تأثیر می‌گذارد، تعهدات قراردادی که خلاف مقاصد واقعی آن‌ها است بر طرفین تحمیل شود. به عبارتی ترس از زبان ثالث نباید موجب تفسیری غیر منطبق با اراده طرف‌های قرارداد باشد.

دوم، اشخاص ثالث همیشه در معرض تفسیر غیر منتظره‌ای هستند که بر اساس شرایط پیرامونی در زمان انعقاد قرارداد توسط طرفین اصلی رخ داده است. چنین دلیلی بستر خوبی برای اعتراض به اثر رفتار نیست. هنگام تفسیر قراردادها، دادگاه از قبل موضوع‌های عینی را که برای طرفین متعاقد شناخته‌شده؛ اما برای دیگران لزوماً شناخته‌شده نیست، در نظر می‌گیرد. سوم، در صورتی که شخص ثالث با حسن نیت به طور منطقی انتظار داشته باشد که قراردادی واقعی را امضا و به آن تکیه کند، می‌توان نگرانی‌های مشروع وی را با استفاده از قاعده

که در بخش مکتوب قرارداد آمده است، معنای خاصی داده‌اند. در دعوی اصلاح قرارداد کتبی، دادگاه ممکن است به رفتار طرفین در تعیین اینکه آیا مدارک کافی مبنی بر قصد مشترک قبلی که در سند منعکس نشده، توجه داشته باشد. بنابراین اعتقاد بر این است که «هم از نظر اصولی و هم از نظر اختیاری ... این واقعیت باید مورد توجه قرار بگیرد که یکی از طرفین به گونه‌ای اقدام کرده است که گویی سند به شکلی با آن اقدام تصحیح می‌شود و شواهد محکمی مبنی بر قصد طرف برای قرار دادن طرف دیگر در این شرایط، وجود دارد. با این حال دلایلی برای مستثنی کردن تأثیر رفتار بر قرارداد در کامن‌لا از جمله در موارد زیر مطرح شده است.

### ۵-۱-۱. ناسازگاری با رویکرد عینی تفسیر

بر اساس دیدگاه سخت‌گیرانه، وظیفه یک دادگاه هنگام حل اختلاف تفسیری، تعیین معنایی است که سند قرارداد به شخص معقول و منطقی آگاه از شرایط هنگام انعقاد ارائه می‌دهد. بدین منظور، دادگاه فقط می‌تواند به چهارچوب عینی حقایقی که در آن، قرارداد شکل گرفته است، توجه کند و قصد فرضی طرفین در این بستر و شواهد مربوط به مذاکرات و سایر مبادلات که نشان‌دهنده مقاصد و انتظارات واقعی آن‌ها است، غیر قابل قبول است. این رایج‌ترین دلیل برای حذف رفتار و اقدام‌های متعاقب است. به شکلی واضح، اصل کلی این است که هیچ چیز به تفسیر قرارداد مربوط نمی‌شود؛ مگر اینکه در زمان انعقاد قرارداد برای هر دو طرف قرارداد شناخته شده یا دست‌کم قابل تشخیص بوده باشد (استاتون، ۱۹۹۵، ۲۶۳). البته اگر ثابت شود که این قصد بیان نشده، توسط طرف مقابل اعلان شده

استاپل (منع رفتار معارض) برطرف کرد (قلی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۲۹۳).

## ۵-۲. تأثیر رفتار بر قرارداد در اسناد بین‌المللی

بر اساس ماده ۸ (۱)، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین اظهارات یک طرف باید براساس قصد او تفسیر شود. در صورتی که طرف دیگر می‌دانست یا نمی‌توانست از آن ناآگاه باشد. ماده ۸ (۲) مقرر می‌کند که اگر ماده اخیر قابل اجرا نباشد، اظهارات یک طرف باید با توجه به استدلالی تفسیر شود که یک شخص معقول و منطقی در شرایط مشابه، از این ماجرا داشت. مهم‌تر از آن در ماده ۸ (۳) مقرر می‌دارد: «برای تعیین قصد یک طرف یا استنباط شخص معقول و منطقی، باید به تمام شرایط مربوط به قرارداد از جمله مذاکرات، هر گونه رویه‌ای که طرفین بین خود تعیین کرده‌اند، نحوه استفاده و هر گونه رفتار توجه کرد». در مواد ۲-۴ و ۳-۴ اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی مقرر شده است که اظهارات و سایر رفتارهای یک طرف قراردادها باید بر اساس «قصد مشترک طرفین تفسیر شوند» یا «با توجه به معنایی که شخص معقول در همان شرایط مشابه طرفین استدلال می‌کند، تفسیر شوند» و تمامی اوضاع و احوال از جمله رویه‌ای که طرفین بین خود برقرار کرده‌اند و رفتار طرفین متعاقب انعقاد قرارداد مد نظر قرار گیرد. هر دو مجموعه فوق بیان می‌کنند که باید به رفتار و اقدام‌های طرف‌های قرارداد توجه شود. ماده ۱۰۲-۲ اصول حقوق قراردادهای اروپا بیان می‌دارد: «در مواردی که یک طرف قرارداد قصد نداشته باشد تا خود را ملتزم به مفاد قرارداد نماید، اگر طرف دیگر قرارداد دلیلی ارائه نماید مبنی بر اینکه او از اظهارات و رفتار طرف

قرارداد این قصد را استنباط نموده است، طرف قرارداد علی‌رغم عدم وجود قصد التزام ملزم به مفاد قرارداد است». در ماده ۱۰۲-۵ در تفسیر قرارداد مقرر شده است که رفتار طرفین پس از انعقاد قرارداد در تعیین اوضاع و احوال مرتبط باید ملاک قرار گیرد. «در ماده ۱۰۶-۲ این اصول در مبحث اعتماد طرفین به‌عنوان یک رفتار، چنانچه طرفین قرارداد با رفتارشان بر تعدیل قرارداد که حاوی شرط مرجر است، توافق نموده باشند و طرف قرارداد به‌صورت معقول با اعتماد بر همین رفتار اقدام نموده باشد، در این صورت طرف دیگر قرارداد از استناد به شرط مرجر محروم می‌شود. در تفسیر ماده ۱۰۶-۲ اصول در مبحث اعتماد طرفین به‌عنوان یک رفتار، چنانچه طرفین قرارداد با رفتارشان بر تعدیل قرارداد که حاوی شرط مرجر است، توافق نموده باشند و طرف قرارداد به‌صورت معقول با اعتماد بر همین رفتار اقدام نموده باشد، در این صورت طرف دیگر قرارداد از استناد به شرط مرجر محروم می‌شود. در تفسیر ماده ۱۰۶-۲ اصول نویسندگان، ۱۳۷۴، ج ۱، ۵۴). به‌موجب این اسناد رفتار طرفین، نه‌تنها برای رفع عدم قطعیت ادعایی و تعیین مفاد قرارداد؛ بلکه برای تعیین توافق‌های شفاهی به‌عنوان مبنایی برای استنباط مورد توافق هنگام عقد قرارداد در نظر بگیرد. در واقع گفته شده است که عقل سلیم نشان می‌دهد که اقدام‌ها و رفتارهای طرفین، شواهد بهتری نسبت به آن دسته شواهدی هستند که به صورت شفاهی مورد توافق قرار گرفته و نوشته نشده‌اند؛ هرچند شواهدی دال بر معنای اصطلاحات مکتوب وجود ندارد. همچنین ممکن است استدلال شود که عقل سلیم نشان می‌دهد که اگر رفتار برای اثبات وجود یک واژه

صورتی که مبین قصد و رضا باشد، واجد همان آثاری است که لفظ صریح دارد» (قاسم‌زاده، ۱۳۷۵، ۱۵). «معمولاً تعیین تمام جزئیات و پیش‌بینی تمام فروض در قرارداد امکان‌پذیر نیست. بنابراین در بسیاری از موارد در مقام تفسیر قرارداد با موضوعاتی برخورد می‌شود که طرفین هیچ تکلیفی برای آن در قرارداد تعیین نکرده‌اند و به اصطلاح در مورد آن سکوت کرده‌اند. سکوت ممکن است در مقام انعقاد و پذیرش قرارداد مورد ارزیابی قرار گیرد. در حقوق ایران پذیرفته شده است که سکوت وضعیت مبهمی است که داوری قطعی را غیر ممکن می‌سازد» (امامی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۳۰۲). ماده ۲۴۹ قانون مدنی نیز در مقام بیان مصداقی از این قاعده کلی در بحث عقد فضولی مقرر کرده است: «سکوت مالک ولو با حضور در مجلس عقد اجازه محسوب نمی‌شود». «علت بی‌اعتباری سکوت در حقوق ایران این‌گونه تبیین شده است که اعلام رضا نیازمند وجود مبرزی است که دلالت بر امر باطنی کند. به‌علاوه سکوت ممکن است نتیجه بی‌توجهی فرد و یا عدم امکان مخالفت از جانب او باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ۲۶۳). در حقوق انگلستان نیز همین قاعده پذیرفته شده است و بیان گردیده «اصولاً سکوت نمی‌تواند مبنای ایجاد و پذیرش تعهدات گردد؛ مگر اینکه طرفین قبلاً توافق کرده باشند که سکوت یکی از طرفین به معنی پذیرش تعهد و رضایت از جانب او باشد و یا این که یکی از طرفین خود ملزم شود، در صورت عدم رضایت، آن را صریحاً اعلام کند و هر نوع سکوت او به معنی رضایت تلقی شود» (بیتسون، ۱۹۹۸، ۴۸؛ ویشارت، ۲۰۰۶، ۸۵). «فرض دیگر در جایی است که سکوت در مقام تفسیر قرارداد به کار می‌رود. در این مرحله در مورد تشکیل و انعقاد

شفاهی مورد استفاده قرار گیرد، باید بتوان از آن برای نشان دادن این نکته استفاده کرد که طرفین به اصطلاحی که در بخش مکتوب قرارداد آمده است، معنای خاصی داده‌اند. بنابراین «در کنوانسیون بیع و اسناد بین‌المللی مورد مطالعه نیز، پذیرفته شده است رفتار طرفین می‌تواند ابهامات موجود در قرارداد را رفع نماید و بر اساس موادی که بیان شد، صراحتاً اعمال و رفتار بعدی طرفین در تفسیر قرارداد و رفع ابهام از آن راه‌گشا دانسته شده است» (صفایی و همکاران، ۱۳۸۷، ۳۶-۳۳؛ شعاریان و همکاران، ۱۳۷۹، ۲۲۴؛ اخلاقی و همکاران، ۱۳۸۵، ۱۲۴). در رویه داوری بین‌المللی نیز به این قاعده استناد شده است. در یک پرونده که در مورد پذیرش رفتار متعاقب طرفین به‌عنوان منبع تفسیر اراده آنان تردید وجود داشت بیان شد: «رفتار متعاقب طرفین قرارداد یکی از منابع تفسیری به رسمیت شناخته شده در تجارت بین‌الملل قلمداد شده است و همان‌گونه که در بند ۳ ماده ۸ کنوانسیون بیع به آن اشاره شده است، ابهام قرارداد با استفاده از آن قابل رفع است».

### ۳-۵. حقوق ایران

از آنجایی که رفتار در ظاهر به منزله سکوت در لفظ و کتابت است در حقوق ایران برای شناسایی امکان تأثیر رفتار ابتدا باید مسئله سکوت لفظی و کتبی طرفهای قرارداد بررسی شود.

### ۳-۵-۱. سکوت طرفین و رابطه آن با رفتار

«سکوت در اصطلاح حقوقی، صرف سخن نگفتن سکوت تلقی نمی‌شود و صاحب اراده می‌تواند به شکل ضمنی اراده خود را اعلام کند. در واقع ابراز اراده ضمنی خود نوعی بیان محسوب می‌شود و در

۱. «در مقام بیان بودن سکوت: سکوت در جایی که باید سخن یا اظهاری ارائه کرد، مؤثر قلمداد می‌شود. چون مبنای اعتبار سکوت بر اساس قرائن، اراده ضمنی فرد نسبت به موضوعی خاص است. تنها در فرضی می‌توان سکوت را مؤثر دانست که اراده فرد مزبور نیز قلمداد شود. به دیگر سخن اگر در جایگاهی خاص اراده فردی تعیین‌کننده و مؤثر باشد، سکوت او به همراه قرائن می‌تواند نوعی بیان ضمنی اراده قلمداد شود. این استدلال مبتنی بر این اصل است که افراد در مقام بیان و در وقت ضرورت تمام خواسته‌ها و جزئیات قرارداد را مورد تصریح قرار می‌دهند و سکوت در در مقام بیان قرینه بر پذیرش آن امر است. به عبارت دیگر اگر شخص بتواند در مقابل انتساب امری به قرارداد بیان مخالفی داشته باشد؛ اما سکوت نماید قرینه بر پذیرش آن است» (قشقایی، ۱۳۷۸، ۹۲).

۲. نبود مانع جهت بیان: از دیگر شروط معتبر دانستن سکوت، امکان بیان و اظهار نظر از جانب فرد است. در صورتی که طرفین یا یکی از آن‌ها به هر علت موقعیت اظهار نظر نداشته باشند، نمی‌توان سکوت آن‌ها را دارای دلالت دانست. زیرا اصولاً امکان انتخاب موقعیتی دیگر برای فرد وجود نداشته است تا بتوان سکوت را به اراده او منتسب نمود. بر این اساس معلوم می‌شود، میزان قوت سکوت بر اساس میزان قوت قرائن همراه با آن است و مادامی که قرائن مزبور به حدی نباشد که بتوان مفهومی از آن‌ها استنباط کرد، بر اساس اصل عدم دلالت، سکوت فاقد معنا و بی‌تأثیر خواهد بود (صفایی، ۱۳۸۴، ۶۶). «نتیجه اینکه در صورت سکوت طرفین در قرارداد، دادرس در مقام تعیین تکلیف موضوع، از تمام اوضاع و احوال و قرائن

قرارداد تردیدی وجود ندارد بلکه در مقام اجرا این اشکال پیش می‌آید که وضعیت مسائلی که طرفین آگاهانه یا ناآگاهانه درباره آن‌ها سکوت اختیار کرده‌اند چگونه خواهد بود؟ بحث اصلی مربوط به تأثیر سکوت طرفین در مرحله تفسیر، مرتبط به همین فرض است. بیان گردید که قاعده کلی در مورد سکوت عدم اعتبار و فقدان دلالتی خاص درباره آن است؛ اما باید دانست در هر یک از فروض مطرح‌شده پیرامون نقش سکوت در قرارداد، می‌توان در شرایطی خاص سکوت را دارای معنا و مفهوم دانست. به نحوی که علی‌رغم نبود بیان یا رفتاری واضح از جانب فرد، اراده حقیقی او را کشف نمود» (صاحبی، ۱۳۷۶، ۹۶). «در این موارد وجود رویه متعارف، نوع مواجهه طرفین با موقعیتی خاص (مانند به‌کار بردن اطلاق در عبارات) یا وجود سابقه مسلم و احراز شده سبب می‌شود، سکوت نشان از عدم مخالفت طرفین با موضوع مورد نظر باشد» (شهیدی، ۱۳۸۳، ۱۳۸). «در برخی موارد نیز مانند ماده ۵۰۱ ق.م قانون‌گذار با استناد به وجود همین قرائن، سکوت را بیان اراده فرض کرده است. در این ماده سکوت موجر نشان از رضایت او به تداوم اجاره با مستأجر است. زیرا در صورت عدم رضایت، تخلیه عین مستأجره را درخواست می‌کرد. هم‌چنین می‌توان به مواد ۴۱۵، ۴۳۵ و ۴۴۰ قانون مدنی اشاره کرد که به‌موجب آن‌ها عدم اعمال حق فسخ از جانب ذوالخیار، قرینه انصراف از آن دانسته شده است» (شهیدی، ۱۳۸۳، ۱۴۷). با این همه باید دانست دلالت سکوت به قوت اظهار و بیان الفاظ نیست. بنابراین پذیرش اعتبار آن منوط به وجود شرایط زیر است.

استثنائات وارد بر اصل حقیقت، متعذر بودن و خلاف عادت بودن حقیقت است.

### ۵-۳-۲. مبانی مشترک تأثیر رفتار و عقود معاطاتی

این موضوع که لفظ، در به وجود آمدن عقود طریقی دارد نه موضوعیت، امری پذیرفته شده است. در ماده ۱۹۱ قانون مدنی هرچیزی که دلالت بر قصد کند پذیرفته شده است. پس لفظ در به وجود آمدن عقود شرط صحت نیست و نبود آن باعث بی‌اعتباری عقد نمی‌شود. در فقه بیع معاطات در لغت به معنی دادوستد و به معنی معامله‌ای است که الفاظ خاص معامله در آن نباشد. به عبارت دیگر، به زبان آوردن این جمله از جانب فروشنده که مبیع(مال مورد معامله) را به ثمن(مبلغ) مشخص به خریدار می‌فروشم و به زبان آوردن قبول از طرف خریدار شرط صحت معامله نیست؛ بلکه انجام عملی که در عرف نشان‌دهنده قصد بیع و ایجاب و قبول است، کافی است. مثل اینکه فروشنده مال مورد معامله را به خریدار بدهد و خریدار مبلغ را به فروشنده تحویل بدهد بدون آنکه کلمه‌ای بین آن‌ها رد و بدل شود.

قانون مدنی به‌طور مستقیم از بیع معاطاتی اسم نبرده است و تنها در چند ماده به این مفهوم اشاره کرده است. برای مثال بر طبق ماده ۳۳۹ قانون مدنی: «پس از توافق بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن، عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می‌گردد؛ ممکن است بیع به داد و ستد نیز واقع گردد». در ماده ۱۹۳ بیان شده است که «انشای معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد؛ مگر در مواردی که قانون استثنا کرده

استفاده می‌کند تا قصد طرفین از سکوت مزبور معلوم شود. در صورتی که نتوان با توجه به شرایط انعقاد قرارداد اراده ضمنی طرفین را احراز و اثبات نمود از فروض قانونی برای رفع ابهام استفاده می‌گردد. به عنوان نمونه به‌موجب قسمت اول ماده ۳۴۴ ق.م.چنین فرض می‌شود که سکوت طرفین در مقام تعیین شرط یا موعد تسلیم عوضین، به معنی فقدان شرط و حال بودن ثمن است؛ اما همان‌گونه که ماده بیان کرده است ممکن است بر اساس عرف و عادت بتوان احراز نمود که طرفین شرط یا موعدی جهت تسلیم عوضین تعیین کرده‌اند» (شعاریان و همکاران، ۱۳۷۹، ۱۳۱). «بنابراین مرجع رسیدگی‌کننده در مقام تفسیر قرارداد و تعیین شرایط و قیود آن باید تمام جوانب و اوضاع و احوال انعقاد عقد را مد نظر قرار دهد. قاعده مزبور همانند ایران در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (بند ۱ ماده ۱۸) و اصول حقوق قرارداد اروپایی (بند ۲ ماده ۲۰۴-۲) نیز پذیرفته شده است. این یکسانی موضع حاصل مشترک بودن مبانی نظام‌های حقوقی فوق مبنی بر پذیرش تأثیر شرایط پیرامونی انعقاد قرارداد و توجه به آنها در تفسیر عقد است» (یزدانی، ۱۳۷۹، ۸۳) در قراردادها وقتی قرارداد ابهام ندارد و با دیدن الفاظ آن می‌توان به معنای خاصی دست یافت، باید به ظاهر آن پایبند بود و الفاظ را حمل بر معانی حقیقی نمود؛ مگر خلاف آن ثابت شود؛ اما در فرض ابهام قرارداد که استعمال معنی حقیقی یا مجاز لفظ معلوم نیست و قرینه هم مبنی بر استعمال معنی مجازی وجود ندارد باید با استفاده از اصل حقیقت لفظ را حمل بر معنای حقیقی نمود؛ اما در فرض سکوت باید به کل قرارداد توجه نمود و با حمل الفاظ بر معانی حقیقی و احراز ظهور عرفی به تفسیر قرارداد پرداخت که از جمله

«در حقوق ایران نیز با وجود عدم تصریح، می‌توان پذیرفت، رفتار بعدی طرفین در تفسیر قرارداد قابل استناد است» (یزدانی، ۱۳۷۹، ۸۳). بر همین اساس در رأی شماره ۱۰۵ مورخ ۱۳۶۳/۲/۲۴ شعبه دوم دادگاه عمومی تهران (حقوقی یک): در توجیه حکم خود به امور زیر استناد می‌نماید: «... در خصوص دعوای اصلی با توجه به قول‌نامه مستند دعوا که مصون از انکار و تکذیب باقی مانده و حاکی از خرید و فروش رقبه فوق‌الذکر و پرداخت مبلغ نه میلیون ریال از ثمن معامله ... ۱۳ روز قبل از موقع انتقال رسمی مندرج در قرارداد می‌باشد و با التفات به این که پرداخت و دریافت‌های مزبور در تاریخ‌های فوق‌الاشعار قصد خوانده اصلی را به التزام به بیع محرز می‌داند». در این پرونده قصد مشترک متعاملین از طریق اجرای قرارداد و دریافت ثمن احراز شده است. در صورت احراز شرایط زیر می‌توان از آن برای تفسیر قرارداد استفاده کرد.

۱) «اراده طرف‌های قرارداد: مبنای اعتبار رفتار مزبور انتساب آن به اراده و خواست طرفین است. به عبارتی رفتار باید با آگاهی و ارادی باشد. بنابراین در صورتی - که فرد به اشتباه یا بر اثر تقلب و فریب دیگری آن را انجام دهد نمی‌توان، رفتار مزبور را منبع تفسیر قرارداد دانست؛ پس اگر رفتاری انجام شود و این رفتار مبتنی بر عرف و عادت باشد قابل پذیرش است. از طرف دیگر اگر رفتاری در قرارداد صورت پذیرد که طرف مقابل به آن اعتماد و اتکا نماید و عدم توجه به آن رفتار یا مؤثر ندانستن آن رفتار بر قرارداد موجب بی‌عدالتی گردد، باز هم این رفتار بر قرارداد مؤثر است ولو به ظاهر در قصد مشترک طرفین نباشد» (صفایی، ۱۳۸۴، ۳۶).

باشد». در ماده ۱۹۴ نیز از الفاظ و اشارات و اعمال برای اعلام اراده نام برده است. همه این موارد در کنار ماده ۱۹۱ قانون مدنی که هر چیزی را که قرینه‌ای باشد بر قصد به وجود آمدن، صحیح دانسته، نشان از پذیرش بیع معاطاتی در قانون مدنی ایران دارد. به- موجب ماده ۲۸۴ اقاله به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن نماید، واقع می‌شود و ماده ۴۴۹ که فسخ به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن نماید، حاصل می‌شود، ابراز اراده به هر وسیله‌ای کافی است و توافق به هر وسیله‌ای ابراز شود، مؤثر است (سلطان احمدی، ۱۳۹۶، ۹۱) رفتار مبین اراده چه در مرحله انعقاد یا مراحل بعدی قرارداد دارای مبنای واحد و مشترکی هستند که موجب تاثیر بر قرارداد می‌شود. بنابراین همان‌گونه که رفتار در قالب معاطات موجب انعقاد عقد می‌شود می‌تواند موجب اقاله یا اصلاح قرارداد نیز باشد و بر همین مبنا در تفسیر و تکمیل اطلاق قرارداد نیز حاکم است.

### ۵-۳-۳. شرایط اعتبار رفتار در حقوق ایران

«در حقوق ایران بخشی از مفاد قرارداد با عنوان مفاد ضمنی و مفاد بنایی (تبانی) به رسمیت شناخته شده است. حقوق دانان با وحدت ملاک از مواد ۱۱۲۸ و ۱۱۱۳ قانون مدنی بر اعتبار مفاد بنایی استدلال کرده‌اند» (شهیدی، ۱۳۸۳، ۳۴۰). «بنابراین می‌توان گفت مفاد ضمنی قرارداد شامل: حکم عقل و بدهت (که شروط تبانی نیز یکی از این موارد شناخته شده است) و قانون و عرف و عادات قراردادی است. چنین نتیجه‌ای در فقه نیز قابل پذیرش است» (صفایی و همکاران، ۱۳۸۷، ۸۴).

تعیین حقوق و تعهدات قراردادی اصل حاکمیت اراده است. به عبارتی با حاکمیت اراده طرف‌ها قرارداد را می‌سازند و و حقوق و تعهدات و آثار و نتایج آن را اراده‌ها تعیین می‌کنند و ابتدا در تفسیر قرارداد این حقوق و تعهدات را از اراده صریح، ضمنی یا بنایی آن‌ها شناسایی می‌کنیم؛ اما آنچه حقوق و تعهدات قراردادی را تعیین می‌کند، صرفاً اراده نیست. بنابراین در حقوق قراردادهای فعلی در بسیار نظام‌های حقوقی رفتار و اعمال طرف‌های قرارداد پس از انعقاد قرارداد، صرفاً از باب اصل حاکمیت اراده ملاک نیست؛ بلکه بر مبنا و مبانی دیگری از جمله انصاف و عدالت و عرف و حسن نیت نیز دخالت اراده در قرارداد توجیه می‌گردد. بر همین مبنا باید بدانیم مبنای اولیه شناسایی رفتار و به‌ویژه رفتار متعاقب طرفین در قرارداد اراده است؛ اما این تنها مبنای آن نیست و مبانی دیگر موجب دخالت رفتار طرف‌های قرارداد در قرارداد می‌شود. به عبارتی آنچه غیر عادلانه و غیر منصفانه یا غیر منطبق بر حسن نیت می‌باشد نباید با توسل به ارادی بودن وارد قرارداد نمود و از طرف دیگر رفتاری که عادلانه و منصفانه است نیز نباید به دلیل ارادی نبودن از قرارداد خارج دانست. رفتار متعاقب طرفین نیز بر همین مبنا قابل توجیه است. در حقوق ایران به صراحت ویژگی‌های لازم برای رفتاری که حاکی از اعلام اراده باشد، ذکر نشده است؛ اما با مطالعه در حقوق داخلی و تطبیق با فقه و حقوق اروپایی از رفتارهایی که مورد پذیرش قرار گرفته می‌توان ویژگی‌هایی را استنباط نمود که عبارت‌اند از: احراز شرایط قصد و رضای رفتارکننده از رفتار خویش، آگاهی طرف مقابل و امکان اعتراض و ایراد از جانب او، انتساب و ارتباط عمل مزبور با قرارداد و رفتار مزبور اصولاً در قرارداد مشابه و در

۲) «آگاهی طرف مقابل و امکان اعتراض و ایراد از جانب او: این شرط در راستای جلوگیری از انجام رفتار یک‌جانبه و تخلف از مفاد قرارداد پیش‌بینی شده است. در صورتی که طرف مقابل از رفتار فرد آگاه شود و نسبت به آن هیچ اعتراضی نکند، عمل انجام‌شده منطبق با خواست و اراده مشترک آنان فرض می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۱۲۷).

۳) «انتساب و ارتباط عمل مزبور با قرارداد: رفتار متعاقب باید در پرتو قرارداد و با توجه به آن قابل فهم باشد، به نحوی که علت انجام آن، قرارداد مورد نظر بوده و بدون آن بروز رفتار منتفی گردد» (قشقایی، ۱۳۷۸، ۱۴۶).

۴) رفتار مورد استناد اصولاً در قرارداد مشابه و در اوضاع و احوال مشابه قابل پذیرش باشد. به عبارتی رفتار نباید یک استثنا در سایر قراردادهای مشابه تلقی شود؛ مگر دلیل قطعی بر این استثنا دلالت کند. چون در آن صورت نه به اراده قابل انتساب است و نه به سایر مبانی حقوق و تعهدات قراردادی. رفتار باید منطبق با مبانی و بنیادها و اصول حاکم بر قرارداد باشد؛ به ویژه باید منطبق با قاعده منع رفتار معارض به گونه‌ای که نپذیرفتن رفتار موجب خلأ در قرارداد یا غیر منصفانه و غیر عادلانه بودن آن گردد. در مجموع در حقوق ایران نیز با وجود عدم تصریح، می‌توان پذیرفت با احراز شرایط مزبور، رفتار بعدی طرفین در تفسیر قرارداد قابل استناد است.

## ۶. نتیجه

هنگامی که از دخالت و تأثیر رفتار در قرارداد سخن به میان می‌آید نباید مبنای آن را منحصر به اصل حاکمیت اراده در قرارداد دانست. البته اولین مبنای

## منابع

### فارسی

- اخلاقی، بهروز؛ امام، فرهاد، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۵.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ بیست و دوم، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۸۱.
- حبیبی، محمود، تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۷.
- سلطان احمدی، جلال، «مطالعه تطبیقی شرط مکتوب بودن ابراز اراده»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶.
- شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم، اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران، چاپ اول، تبریز، انتشارات فروزش، ۱۳۷۹.
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.
- صاحبی، مهدی، تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶.
- صفایی، سیدحسین؛ عادل، مرتضی؛ کاظمی، محمد؛ میرزانژاد، اکبر، حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

اوضاع و احوال مشابه قابل پذیرش باشد. بر اساس مبانی و با شرایط ذکرشده رفتار طرفین می‌تواند ابهامات موجود در قرارداد را رفع نماید و موجب تعیین حقوق و تعهدات قراردادی گردد. با توجه به این که رفتار در بسیاری از متون قراردادهای جدید مورد توجه قانون‌گذاران در کشورهای مختلف و اسناد بین‌المللی مورد مطالعه قرار گرفته است. پیشنهاد می‌شود، قانون‌گذار ما نیز رفتار طرف‌های قرارداد را مورد قانون‌گذاری قرار داده و شرایط آن را به شرح این تحقیق دقیق و کامل بیان کند.

### ۷. سهم نویسندگان

در این مقاله همه نویسندگان به صورت برابر مشارکت داشته‌اند.

### ۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

### لاتین

-Beatson, J, Anson's Law of Contract, 27th ed, London, Oxford University Press,1998.

-Lindy, Willmott; Sharon, Christensen; Des, Butler, Contract Law, 2nd Edition, London,Oxford University Press,2001.

- MacLauchlan, D W,«Subsequent Conduct and Contract Interpretation An Update», New Zealand Business Law Quarterly,No.3,2006.

- MacLauchlan, D W, «Subsequent Conduct as an Aid to Interpretation» , New Zealand Business Law Quarterly,No.2,1996.

- Nicholls, Donald, «My Kingdom for a Horse The Meaning of Words», Law Quarterly Review,No.121,2005.

- Staughton, LJ, «Interpretation of Maritime Contracts»,Journal of Maritime Law and Commerce,No.26,1995.

- Stone, Richard, The Modern Law of Contract, 1nd Edition, London - New York, publishing Rutledge Cavendish,2009.

- Wishart, Mindy, Contract Law, 3rd Edition, London, Oxford university press,2006.

- Yee,Christopher; Henderson,Willow,«The New Law Of Contract Interpretation», Journal Of New Zealand Universities Law Review,No.19,2000.

- صفایی، سیدحسین، حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

- قاسم‌زاده، سید مرتضی، «نقش سکوت در بیان اراده»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۴، ۱۳۷۵.

- قشقایی، حسین، شیوه تفسیر قراردادهای خصوصی در نظام حقوق ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.

- قلی‌زاده، محمد؛ طاهری، سهیل؛ مظلوم رهنی، علیرضا، «تأثیر رفتار طرف‌های قرارداد در حقوق ایران و اصول اروپایی قراردادها و اسناد بین‌المللی»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران شماره ۲۰، تیر ۱۴۰۱.

- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی(قواعد عمومی قراردادها)، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.

-کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی(الزام‌های خارج از قرارداد)، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

- گروهی از نویسندگان، تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی کالا، ترجمه دکتر مهرباب داراب پور، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۴.

- یزدانی، هومن، «اصول و ضوابط تفسیر قرارداد در کنوانسیون راجع به بیع بین‌المللی کالا و مقایسه آن با حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.